

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: عثمان حیدری

۰۴ اپریل ۲۰۱۸

جنايات دو بلوک امپرياليستی و تجاوز ترکیه به عفرین را محکوم می کنیم!!!

در آغاز اعتراضات مردمی در سوریه که در ادامه روند بهار عربی در برخی کشورهای عربی بود (این خیزش ها نوع جدید و خفیی برای پاسخ گوئی به نیاز های روند طبیعی مبارزات طبقاتی بود که برای شروع عصر جدید انقلابات گام های نخست و دست گرمی محسوب می گردند، این خیزش های مستقل برای کنار زدن انقلابات ساختگی و تحمیلی که به انقلابات مخملی و رنگین معروف بودند و برای جلوگیری از انقلابات واقعی و طبیعی (سرخ) توسط حکومت های سرمایه داری جهانی و امپریالیست ها ساخته و پرداخته شده بودند، ظهور کردند، خیزش های فوق نوید دهنده عصر انقلابات جدید هستند که برای نجات بشریت از چنگال اشکال مختلف سرمایه داری بزودی طنین انداز خواهند شد.) در سوریه نیز همانند سایر کشورها اعتراضات در راستای مطالبات آزادی خواهانه و مدرن بود. مردم منطقه خواهان یک زندگی بهتر و فارغ از هرگونه ستم و تبعیض بوده و هستند. سیستم حاکم جهان برای جلوگیری از تبدیل شدن اعتراضات با عنوان بهار عربی به انقلابات واقعی و برای به انحراف کشیدن این مبارزه سراسری روند مبارزه را به سمت و سوی درگیریهای نظامی و قومی و قبیله ئی کشاند(در واقع سرمایه داری با توجه به درسی که از انقلابات گذشته گرفته بود، منتظر نماند که اول انقلابات پیروز شوند، بعد به انقلابات حمله کند، بلکه با استفاده از نبود رهبری انقلابی (و بین الملل کارگری) توانست با دخالت های سریع نظامی مردم را بر سر دو راهی و پشیمانی از دست زدن به انقلاب قرار بدهد، فراموش نکنیم که شکل جدید سرکوب خیزش ها قبل از تبدیل شدن آنها به قیام و انقلاب در واقع خفه کردن انقلابات در نطفه و اعتراضات اولیه توسط قدرت های جهانی است ، از طریق ترغیب تولید انقلابات رنگین موفق به نجات و ثبات سرمایه داری نشدند و اکنون دگرترین حمله همه جانبه به خیزش ها در گام های نخست شروع است و چنان جنگ های همه جانبه تحمیل می کنند، که مردم از شروع اعتراض پشیمان می شوند، و کشورهایی هم که اعتراض را شروع نکردند مردد هستند (مانند مردم ایران که هنوز در این فکر هستند اگر با شدت شروع کنند ممکن است سرمایه داری جهانی ایران را به سرنوشت عراق ، افغانستان یا سوریه دچار نمایند) از این زاویه امپریالیست ها و سرمایه داری جهانی خدمات بسیار ارزنده ای به جمهوری اسلامی هدیه کرده اند و باعث طولانی تر شدن عمر ننگین جمهوری اسلامی شده اند، این شکل برخورد سرمایه داری و بلوک های امپریالیستی نشان می دهد که

تنها راه مردم منطقه و جهان اقدام به انقلاب تحت رهبری همبستگی انترناسیونالیستی است، که بتواند چند کشور از یک منطقه را هماهنگ با هم برای قیام و انقلاب رهبری کند، تا سرمایه داری نتواند با استفاده از ترفند حمله همه جانبه در مقابل اولین اعتراضات از شروع انقلابات جلو گیری کند.

متأسفانه با گذشت زمان و با مداخله قدرتهای نظامی جهانی و منطقه ای امروز شاهد یک تراژدی انسانی در سوریه هستیم . پس از آغاز دخالت قدرت امپریالیستی امریکا و هم پیمانان او و بخصوص دخالت های تجاوز کاران و توسعه طلبانه ترکیه در خدمت دهی به گروههای تروریستی (باضافه با رویکرد هم پیمانی مذهبی – ناسیونالیستی در مقابله با استقلال طلبی کردی) و گسیل نیروهای تکفیری و جهادی به سوریه، رژیم بشار اسد در یک توافق نظامی با احزاب کرد سوریه کنترل مناطق کرد نشین سوریه را به کردها سپرد، بدین ترتیب کردها از بمباران هوایی ارتش سوریه در مناطق کرد نشین در امان بودند و در عین حال بشار اسد با این تاکتیک موفق به تجزیه بخش اعظم مخالفین نظامی خود گردید. در اینجا لازم به ذکر است که در توافق بین رژیم بشار اسد و احزاب کردستان سوریه هرگز موضوع، جدائی کردستان سوریه مورد بحث نبوده و بالعکس بر حفظ یکپارگی خاک سوریه تأکید شده بود. با گذشت زمان و با افزایش فشارهای همه جانبه بر دولت سوریه و ظهور نظامیان تروریستی داعش (مخلوق امریکا – ترکیه – عربستان ، ...) برای مبارزه با داعش با احزاب کردستان سوریه به توافق رسید. به مرور زمان احزاب کردستان سوریه به این نتیجه رسیدند که بشار اسد دیر یا زود رفتنی است و در آینده سیاسی سوریه نقشی نخواهد داشت، بنابراین به صورت بندی یارگیری های جدید و سیال و سیاست جایگزینی و تعویض مداوم هم پیمانان روی آوردند، در این سیاست جایگزینی اول با کمک نظامی و مالی امریکا به گسترش مناطق تحت نفوذ خود در سوریه پرداختند .اما در صحنه نبرد سوریه بازیگران دیگری نیز حضور داشتند و دارند که امروزه دیگر این موضوع بر کسی پوشیده نیست .بیش از ۶۰ کشور جهان به طرق مختلف و بقیه زیر سلطه گردش اقتصادی سرمایه داری بطور نامحسوس درگیر در نبرد سوریه می باشند و دلیل آن نیز مشخص است امروز شاهد تقسیم مجدد جهان بر اثر جا به جایی ثقل خط تولید جهانی و تحت تاثیر آن جا به جایی و انتقال سرمایه و بر اثر چنین جا به جایی و انتقال روند از دست رفتن قدرت جهانی برای برخی از قدرت ها و ظهور قدرت های جدید در جایگزینی قبلی ها هستیم که درد جان کنن بر اثر از دست دادن قدرت برای برخی و درد زایمان برای تولد قدرت های جدید خاورمیانه را که به دلیل داشتن مواد اولیه رشد هر نوع اقتصادی (نفت و گاز) محور کسب هر گونه دست بالا را داشت در این تقسیم جدید و مجدد جهانی نیز در مقام مرکز ثقل تقسیم مجدد جهان بزرگ ترین میدان نبرد است، بنا براین درد جان کنن و پایان عمر بر اثر مرگ قدرت های قدیمی و درد زایش و زمان تولد قدرت های جدید هر چه بیشتر و نزدیکتر شود، در گیری و نبرد در خاورمیانه بیشتر اوج خواهد گرفت ، راه نجات جهان تنها با ظهور و پیروزی یک انقلاب سوسیالیستی از چشم انداز تاریک به چشم انداز روشن گردش خواهد کرد و لا غیر. اما آنچه که مشخص است این است که هیچ یک از این ۶۰ کشور حاضر در صحنه نبرد سوریه و منطقه برای مردم منطقه آزادی به ارمغان نخواهند آورد. یکی از کشورهای حاضر در نبرد منطقه ئی در سوریه ترکیه میباشد که از آغاز اعتراضات در سوریه با تمام توان نظامی و سیاسی خود در صحنه این بازی شرکت فعالی داشته و دارد. زمانیکه ترکیه بر اثر اشتباه نسبت به منافع آتی خود اجازه نداد که امریکا از خاک کشورش به عراق حمله نظامی کند، اما پس از شکل گیری یک دولت مرکزی با مرکزیت شیعه و با مشارکت کردها و دست بالا پیدا کردن ایران در عراق ترکیه منافع خود در عراق را از دست رفته تلقی نموده و در پی جبران این اشتباه اینبار مصمم بود که با دخالت مستقیم در تحولات سوریه به عنوان یک قدرت منطقه ئی وارد عمل شود، ابتداء همراه با امریکا خواهان سرنگونی بشار اسد گردید ولی ستراتیژی و منافع امریکا در منطقه با منافع و خواستههای ترکیه در موارد مختلف در تضاد بوده و هست،

چرا که امریکا بعنوان یک قدرت جهانی حاضر نبود سهمی بیش از اندازه به ترکیه واگذار کند و این موضوع پس از کودتای ناموفق و نیمه کاره در ترکیه ابعاد تازه ای به خود گرفت. پس از کودتا ترکیه که اینبار حتی خود نیز در معرض تهدید بود برای حفظ و گسترش منافع خود در منطقه بطور مستقل وارد عمل شد، برای این کار بهانه قابل قبولی لازم بود، وجود کمپ های پ کا کا در خاک سوریه و همچنین حمایت سوریه از این حزب از یکطرف و بمب گذاریهای این حزب در نقاط مختلف این کشور بهانه خوبی برای آغاز این حمله بود. زمانیکه پ کا کا در سوریه حضور داشت با چشم پوشی دولت سوریه از کردهای سوریه برای صفوف خود نیروی زیادی جذب نمود و با شروع اعتراضات در سوریه این نیرو احزاب فعلی موجود در کردستان سوریه را تشکیل و سازماندهی نمود، این موضوع ترکیه را به این واقعیت رساند که این احزاب همان شاخه سوریه پ کا کا هستند و با توجه به این که موضوع صلح با پ کا کا شکست خورده و درگیریها از سر گرفته شده بود، ترکیه سرکوب کردستان سوریه و پ کا کا را در دستور کار خود قرار داد. (اختلاف دیگر ترکیه با سوریه در شکل تاریخی حاکمیت علوی ها در سوریه و سرکوب تاریخی علوی ها در ترکیه است.)

یکی دیگر از طرفهای درگیر در سوریه کشور روسیه می باشد برای درک بهتر نقش این کشور در تحولات سوریه باید کمی به عقب برگردیم. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هژمونی جهان تک قطبی به رهبری امریکا در اکثر نقاط جهان هر چند به سختی و با تزلزل و باعمر بسیار کوتاه مسلط گردید. تحمل این وضعیت برای روسیه نو پا به عنوان دومین قدرت اتمی جهان بسیار دشوار بود در حالیکه امریکا سرمست و با غرور در پی سیطره نفوذ خود در جهان سرگرم جشن و پایکوبی از پایان جنگ سرد و جهان تک قطبی بود، روسیه با سر کار آمدن پوتین عضو سابق کا گ ب وارد مرحله نوینی از حیات سیاسی خود با دکتترین تازه بود. (البته مهمتر از همه اینها موضوع گردش سرمایه پس از باز شدن همه مرزهای گمرکی و انتقال آزاد و با سرعت سرمایه به مناطقی که بر اثر بسیار ارزان بودن نیروی کار سود آوری بسیار بالائی دارد و همین موضوع باعث گردیده امکان حفظ جهان تک قطبی تنها به شکل یک رؤیای زود گذر ظاهر شود و با انتقال خط تولید و سرمایه حتی حباب همان رؤیای زود گذر نیز بشکند.) در طی سالها و به آرامی سلاحهای اتمی روسیه به روز شد. سازمان اطلاعات و امنیت سابق با تغییراتی دوباره ترمیم گردید و پس از سالها دوباره بر روی صحنه سیاسی جهان به عنوان یک مدعی دوباره ظاهر شد. رؤیای جهان تک قطبی این بار با سوالی دیگر روبرو بود /حضور دوباره روسیه در صحنه از یک طرف و ظهور قدرت نو پای اقتصادی و نظامی دیگری به نام چین (همراه با هند ، مالزی و دیگر کشور های منطقه که ۷۰ درصد نیروی تولید جهانی (یک میلیارد و هشتصد میلیون کارگر) و نیمی از جمعیت مصرف کننده جهان را در خود دارند با نیروی تولیدی بسیار زیاد و ارزان مانند یک سیاهچاله سرمایه ها و به دنبال سرمایه ها قدرت نظامی ، بازار ها و با تشکیل گروه اقتصادی شانگهای سازمانهای اقتصادی و سیاسی بین المللی را در حال بلعیدن است) از عمده دلایل پایان زود هنگام جهان تک قطبی امریکا بود. و همچنین کشورهای در حال توسعه و قدرتهای اقتصادی نوظهور در هیبت جی ۲۰ ساختارهای جهان تک قطبی به رهبری امریکا را زیر سؤال برد. روسیه به عنوان دومین قدرت اتمی جهان با ترمیم مجدد خود در طول این سالها به دنبال دستیابی به قدرت و هژمونی از دست رفته دوران اتحاد جماهیر شوروی بر آمد و بدین شکل جهان وارد مرحله تازه ای از نزاع و کشمکشهای بین قدرتهای برتر اقتصادی و نظامی گردید و به گفته دیگر مرحله تازه ای از جنگ سرد در شرف تکوین بود. قدرتهای بزرگ و امپریالیستها دوباره در پی تقسیم مجدد جهان وارد دوره تازه ای از نزاع و کشمکش گردیده و در این راستا با به راه اندازی جنگهای نیابتی ویرانی هائی به بار آورده اند که کمتر از ویرانی های جنگ جهانی دوم نیست.

و اما نقش روسیه در تحولات سوریه را باید در دو مرحله ارزیابی کرد. با شکلگیری اعتراضات و قیام سراسری در سوریه مردم این کشور خواهان یک زندگی بهتر بودند روسیه بعنوان قدرتی که طی سالها در این کشور دارای نفوذ سیاسی و دارای پایگاه نظامی بود یکی از بازیگرانی بود که با دقت تمام حوادث و سیر تحولات سوریه را تحت نظر داشت و با توجه به این که اعتراضات سراسری و قیام هم مردمی بود از هر گونه دخالت مستقیم که آینده حضور نظامی و نفوذ سیاسی روسیه را به خطر بیاندازد پرهیز می نمود. به مرور زمان و با دخالت امریکا و به راه اندازی جنگهای نیابتی روسیه نیز بطور مستقیم وارد صحنه شد چرا که منافع بلند مدت خود در منطقه و ادامه حضور نظامی و هژمونیش در معرض تهدید و تعرض بود. از آنجائی که جنگهای نیابتی ستراتیژی طرفین درگیر در این نبرد بود روسیه نیز با دفاع از بشار اسد و رژیم او عملاً وارد صحنه این نبرد گردید. و تا امروز نیز با تمام قدرت برای حفظ منافع خود در کنار بشار اسد ایستاده و در این رابطه از ارتکاب هیچ جنایتی دریغ ننموده و نخواهد نمود. در واقع روسیه نیز بعنوان یک قدرت امپریالیستی هیچ ارمغانی به جز قتل و غارت و کشتار و جنایت برای مردم بیگناه سوریه به ارمغان نیاورده و نخواهد آورد. در طی این چند سال روسیه نیز مانند امریکا تمام تسلیحات تازه خود را در سوریه تست نموده و انواع سلاحهای ممنوعه را در اختیار رژیم بشار اسد گذاشته که قربانیان آن فقط و فقط زنان و کودکان و... بی دفاع سوریه بوده اند.

یکی دیگر از کشورهای حاضر در صحنه منازعات سوریه ایران میباشد که از آغاز اعتراضات در سوریه چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ مالی و سیاسی حامی رژیم بشار اسد بوده و خواهد بود /پروژه هلال شیعہ (بخشی از کمربند سبز است که ریتم هماهنگ و هارمونی در جمع خوانی ندارد) در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران یک مسئله حیاتی است و به همین دلیل تمام توان نظامی و اقتصادی و سیاسی خود را برای حفظ رژیم حاکم بر سوریه به کار گرفته چرا که با فروپاشی رژیم سوریه در واقع یکی از حلقه های مهم زنجیر هلال شیعہ در منطقه از هم خواهد پاشید و امکان تغییر و تحول در توازن قوا در عراق به ضرر ایران و حکومت شیعہ حاکم در عراق دور از نظر نخواهد بود، بنابراین حفظ رژیم حاکم در سوریه برای ایران حایز اهمیت است. ایران با حمایت همه جانبه از بشار اسد در تمامی جنایاتی که رژیم حاکم در سوریه مرتکب آن شده سهم است. جمهوری اسلامی ایران نیز بعنوان یک رژیم جنایتکار و مرتجع جز کشتار و وحشیگری ارمغان دیگری برای مردم بی پناه سوریه نداشته و نخواهد داشت.

اما بازیگر نقش اول در سوریه امپریالیسم امریکاست /پس از آبروریزی صدور دموکراسی در عراق و دست بالا پیدا کردن ایران در این کشور امریکا برای ادامه حضور خود در عراق یا به تعبیری دقیقتر اشغال مجدد عراق پروژه تازه احداث خود یعنی داعش را وارد میدان عمل نمود، در طی این سالها نحوه شکلگیری و اهداف شکلگیری و عملکرد این گروه افراطی و تروریست دیگر بر کسی پوشیده نیست. در واقع امریکا به بهانه مبارزه با داعش عراق را برای بار دوم اشغال نمود.

پروژه به کارگیری داعش در سوریه را نیز باید در همین راستا ارزیابی نمود. هم در عراق و هم در سوریه حضور نظامی امریکا با بهانه مبارزه با داعش توجیه می گردد، و این به نظر برای افکار عمومی جواب مناسبی است. اما اینبار مشکل دیگری در کار بود وقتی هدف مبارزه با داعش بود کشورهای هم پیمان در ناتو /روسیه /ایران و رژیم بشار اسد نیز مدعی مبارزه با داعش بودند، و این ادعاها و فعالیت آنها علیه داعش تمامی نقشه ها و بهانه های امریکا را به هم ریخت، و نابودی زود هنگام داعش برای امریکا انهم با شراکت دیگران به معنای شکست کل پروژه (خود امریکا) بود، از سوی دیگر هدف امریکا شعله ور ساختن جنگی بود که به درازی عمر یک انسان باشد یعنی حداقل ۴۰ یا ۵۰ سال و داعش یکی از مهره های مهم این بازی بود که نباید به این زودی از بین می رفت. البته امریکا و برخی از

شرکای او بسیار تلاش کرده و می کنند که هنوز داعش را نگهدارند. هر چند امریکا در سخن مبارزه با داعش در سطح وسیع همراه با روسیه و ناتو را پذیرفت ولی در عمل همیشه بزرگترین تامین کننده تسلیحاتی و مالی داعش بوده و هست.

امریکا برای مشروعیت بخشیدن به حضور نظامی خود و برای ادامه جنگ نیابتی اینبار با احزاب حاکم بر کردستان سوریه هم پیمان شد که این امر بسیار موجب رنجش ترکیه دیگر عضو ناتو گردید. اصرار و التماس ترکیه برای انصراف امریکا از این امر ره به جایی نبرد و باعث شکاف و اختلاف فراوانی بین دو کشور عضو ناتو شد، این اختلافات پس از کودتای نافرجام ترکیه بعد تازه ای به خود گرفت، و اکنون تا جایی پیش رفته است که امریکا امکان اخراج ترکیه از پیمان ناتو را پیش کشیده است. تا جایی که امروز مناسبات این دو کشور از دو کشور هم پیمان به دو رقیب در سوریه تنزل یافته است. و این بدان معناست که در تقسیم مجدد خاورمیانه ترکیه دیگر گوش به فرمان امریکا نیست و به دنبال کسب سهمی در خور از تقسیم غنائم است. این امر هر چند خوشایند امریکا نیست ولی به هر حال این یک بازی سیاسی است که طرفین دعوا میباید به یک سری از قوانین حاکم بر آن پایبند باشند. سقوط عفرین را باید از این زاویه ارزیابی نمود. سکوت امریکا / روسیه / ایران / اتحادیه اروپا و سایر کشورها در برابر اشغال نظامی عفرین توسط ارتش ترکیه از این منظر چیز عجیب و دور از انتظاری نبود، در واقع همه بازیگران به نوعی قواعد بازی (توافقات فی مابین) را رعایت نمودند. آنچه که امروز شاهد آن بودیم فردا دوباره تکرار خواهد شد شاید فردا توازن قوا به نفع بازیگر دیگری تغییر کند، اما قربانیان این بازی کثیف همیشه ثابت اند، قربانیان مردم بی دفاع سوریه هستند. تمام بازیگران حاضر در صحنه نبرد خونین و نیابتی در سوریه فقط یک هدف دارند و آن بدست آوردن سهمی هر چه بیشتر از این خوان یغما است.

به خاک سیاه نشاندن مردم/قتل و کشتار زنان و کودکان/ آزمایش آخرین تسلیحات نظامی و راه اندازی هولوکاستی نوین دساتورد کشورها و قدرتهای امپریالیستی جهانی و منطقه ئی در سوریه می باشد. ما ضمن محکوم کردن حمله نظامی ارتش ترکیه به عفرین و اشغال نظامی این شهر و اعلام همدری با خانواده ها و بستگان جان باخته در این حملات لازم به ذکر میدانیم که کسب آزادی با تکیه بر هیچ قدرت امپریالیستی و خارجی میسر نشده و نخواهد شد، این موضوع به شهادت تاریخ صد ها بار ثابت شده و نمونه های اخیر مانند عراق، افغانستان، لیبیا و ... شاهد بروز هستند.

تنها حامی آزادی و برابری، طبقه کارگر جهانی ست تنها با تکیه بر این طبقه مبارز است که می توان آزادی بی قید و شرط را کسب نمود. مردم خاورمیانه برای رهائی از این همه ظلم و ستم جز اتکا به طبقه کارگر و پیوستن به صفوف این طبقه راه دیگری پیش رو ندارند. هیچ ملتی در خاورمیانه به تنهایی و بدون مبارزه مشترک با هم طبقه ئیهای خود هرگز رنگ آزادی را نخواهد دید. کشیدن مرز و دیوار و امید بستن به حمایت امپریالیسم و افتادن در باتلاق ناسیونالیسم سر انجاست جز شکست و به انحراف کشاندن مبارزات به حق مردم به ستوه آمده منطقه را در پی نخواهد داشت. همچنین تنها راه نجات مردم جهان از جنایات انواع مختلف سرمایه داری و امپریالیستی و نجات از نتایج خون بار تقسیم جهان توسط قدرت های امپریالیستی و هم پیمانانش دست زدن به انقلاب سوسیالیستی است.

کمیته حمایت از آرمانهای شاهرخ زمانی

۵ فروردین [حمل] ۱۳۹۷